

مقایسه مبانی انکار سنت در یهودیت و اسلام

رضا گندمی نصرآبادی^۱

چکیده

در بین متفکران یهودی و مسلمان گرایشی وجود دارد که بر بسندگی کتاب مقدس و قرآن تأکید دارند و سنت را به طور کلی یا سنت به مثابه مرجع معتبر و مقدس را انکار می‌کنند. از منکران سنت در یهودیت، با عنوان قارئون و از منکران سنت در اسلام با عنوان قرآنیون یاد می‌شود. در این مقاله، علاوه بر بررسی علل و زمینه‌های طرح این دیدگاه در یهودیت و اسلام، به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های آن دو پرداخته خواهد شد. با در نظر گرفتن تعریفی که از سنت به دست داده‌اند، دغدغه یا مسأله اصلی و به عبارت دیگر، رخنه معرفتی، مبانی یا پیش فرض‌ها، ادله، روی کرد یا رهیافت و نحوه تقرب آنان به موضوع می‌توان به ظاهری یا واقعی بودن شباهت‌ها یا تفاوت‌ها پی برد. به نظر می‌رسد که شباهت‌های غیر قابل انکاری بین منکران سنت در یهودیت و اسلام وجود دارد و حتی اگر دغدغه و مبنای متفاوتی داشته باشند، پیامدهای نظری و عملی یکسانی در پی دارند.

کلیدواژه‌ها: یهودیت، اسلام، کتاب مقدس، قرآن، قارئون، قرآنیون، سنت.

مقدمه

در یهودیت از تورات مکتوب و شفاهی و در اسلام از قرآن و سنت سخن رفته است. یوزف هورویتس مقایسه فوق را برای اولین بار ذکر کرد که: «میان حدیث و قرآن رابطه‌ای همانند سنت شفاهی یهود با سنت مکتوب آن وجود دارد».^۲ گلدزیهر در مقاله‌ای با عنوان «در باره تکوین حدیث»، مقایسه فوق را گمراه کننده و مردود دانست.^۳ با این حال، او در

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه تهران (پردیس فارابی).

۲. حدیث/اسلامی: خاستگاه‌ها و سیرتطور، ص ۱۶۴.

۳. همان، ص ۱۶۵.

مقاله «منازعات در باب جایگاه حدیث در اسلام»، از احتمال تأثیرپذیری مسلمانان از یهودیان در این خصوص سخن گفته و معتقد است که رویدادهایی مشابه در صدر اسلام این فرض را تأیید می‌کند؛^۴ برای نمونه، گفته شده است:

هنگامی که شمار احادیث، در زمان عُمر در حال افزایش بود، احادیث را نزد او بردند. چون چنین کردند، دستور داد آن نوشته‌ها را بسوزانند. سپس گفت: «مثناه کمثناه اهل الکتاب؟ آیا شما واقعاً می‌شنایید مانند می‌شنای یهود می‌خواهید؟»^۵.

گلدزیهر می‌گوید:

در قرون دوم و سوم، اصل برابری اعتبار قرآن و حدیث پایه‌گذاری شد تا جایی که گاه از امکان نسخ قرآن با سنت سخن می‌گفتند؛ چه هر دو وحی الهی بودند.^۶

این نگاهی گذرا به پیشینه مقایسه فوق بود. طبیعی است که پس از تبیین دیدگاه‌های منکران سنت در یهودیت و اسلام، باید یک بار دیگر با مرور شباهت‌ها و تفاوت‌ها میزان درستی ادعای فوق را بررسی کرد.

در این باره سؤالات چندی فراروی ما قرار دارد؛ برای نمونه، آیا سنت‌گریزی یا سنت‌ستیزی را باید به عنوان یک گرایش غیر ارتودکسی به حساب آورد یا این که ریشه در گفته‌های پیشوایان این ادیان دارد؟ آیا انکار سنت مبنای کلامی یا فلسفی و یا احیاناً! کتاب مقدسی دارد؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین منکران سنت در یهودیت و اسلام وجود دارد؟ به چه میزان، این شباهت‌ها صوری یا واقعی هستند؟

جایگاه سنت در یهودیت

قبل از پرداختن به دیدگاه منکران سنت در یهودیت بایسته است نخست، توضیحی اجمالی در باره جایگاه و مرجعیت سنت در یهودیت ارائه گردد. در یهودیت اعتقاد بر این است که دو نوع تورات وجود دارد؛ تورات مکتوب و تورات شفاهی و هر دو تورات به لحاظ

۴. همان، ص ۱۵۳.

۵. تدوین السنة النبوی، ص ۳۴.

۶. حدیث اسلامی: خاستگاه‌ها و سیرتطور، ص ۱۵۸.

قدمت، اعتبار و حجیت در یک سطح هستند.^۷ در واقع، خدا در سینا به ترتیب کتاب مقدس، میشنا، هگادا و تلمود را بر موسی فروخواند. خدا حتی پاسخ سؤالات دانشمندان آینده را به موسی وحی کرد.^۸

تلمود به دو بخش میشنا، به عنوان متن اصلی و مگارا به عنوان شرح آن تقسیم می‌شود. یهودا هاناسی بین سال‌های ۱۹۰ تا ۲۰۰ پس از میلاد میشنا را جمع‌آوری کرد. گمارا خود به بابلی و فلسطینی یا اورشلیمی تقسیم می‌شود. تلمود اورشلیمی به دست ربی یوحانان در جلیل تدوین یافت و تلمود بابلی حدود یک قرن بعد، توسط راوآشی تدوین یافت. این کار بین سال‌های پانصد و ششصد پایان یافته است. یهودیان باور دارند که متن میشنا در طور سینا بر موسی علیه السلام نازل شد. یهودیان معتقدند میشنا را چهل‌گیزنده نسل اندر نسل از موسی نقل کردند تا این که به یهودا هاناسی رسید. از طرفی، هنگامی که هنوز هیکل به عنوان مرکزی برای یهود پابرجا بود، نوشتن تعلیمات مزبور شرعاً جایز نبود.^۹ ابن میمون علت منع کتابت شریعت شفاهی را جلوگیری از کثرت دیدگاه‌ها، پدید آمدن مذاهب و فرقه‌های مختلف و سرگردانی مؤمنان ذکر می‌کند و این موجب ناپدید شدن بخشی از میراث یهودی در طول زمان شد.^{۱۰} در مواردی از تقدم حکم ربی‌ها بر حکم خدا یا به عبارتی تقدم حکم تورات شفاهی بر تورات مکتوب سخن رفته است.^{۱۱}

قرائیم

قرائیم فرقه‌ای یهودی است که در نیمه دوم قرن هشتم در بابل پدید آمد. عنان یا عانان بن داود بنیان‌گذار فرقه قرائیم به شمار می‌آید که در عهد منصور خلیفه عباسی می‌زیست. او در مصر، فلسطین و ایران پیروانی پیدا کرد. نهضت فوق به اعتبار مؤسسش فرقه عنانیه نام گرفت و از زمان بنیامین نهاوندی به فرقه قرائیمی تغییر نام یافت. قرائیم از واژه عبری قرائیم یا بنی مقرا یا بعلی هامقرا (Baa lei ha-Mikra)، یعنی اهل کتاب (people of the scriptures) گرفته شده است. نظر به این که آنان به شریعت شفاهی یا شنیداری اعتقاد نداشتند و فقط تورات را معتبر می‌دانستند، به این نام خوانده شده‌اند. مخالفان آنان با

۷. یهودیت، مسیحیت و اسلام، ص ۲۳۵.

۸. همان، ص ۲۳۸.

۹. *Encyclopaedia Judaica*, vol15, p750- 779.

۱۰. دلالة الحائرین، ص ۱۷۹.

۱۱. یهودیت، مسیحیت و اسلام، ص ۲۵۶- ۲۵۸.

سنت به عنوان تفسیر معتبر کتاب مقدس را باید به معنای مخالفت با سنت حاخامی دانست و گرنه آنان نیز سنت خاص خود را داشتند.^{۱۲}

خاستگاه قرائیم

عنان با تأسیس فرقه جدیدی آشکار ساخت که در آن هیچ گونه مرجعیتی t به ویژه مرجعیت حاخامی به رسمیت شناخته نمی شد و در واقع، هر کس می توانست، فارغ و آزاد از هر گونه مرجعیت بیرونی، فهم و دریافت خاص خود را از کتاب مقدس داشته باشد. در واقع، جریان اعتراضی فوق بر ضد حلقه های حاخامی جریان پروتستانتیزم در مسیحیت را تداعی می کند. درباره خاستگاه این فرقه چند نظر وجود دارد. گاهی ریشه آن را به صدوقی ها، گروه دیگری به بنی صدق و گاه به زمان پادشاهی یربعام اول می رسانند. البته تأثیر بیرونی، یعنی گسترش اسلام با محوریت توحید را نباید دست کم گرفت، چرا که مسلمانان اندیشه ها و آموزه های حلولی یهودیت را نشانه رفته بودند و به جای آن که خدا را همچون کسی که در طبیعت، تاریخ و انسان حلول کرده در نظر بگیرند، او را متعالی و به تعبیری کاملاً دیگر در نظر می گرفتند.

دلایل مخالفت قارئون با تورات شفاهی یا سنت

هارون بن ایلیا اهل نیکومدیا در کتاب *درخت زندگی* (عص حییم) مبانی فلسفی و کتاب مقدسی دیدگاه قارئون درباره شریعت شفاهی را آورده است. کتاب فوق برای قارئون منبع معتبری محسوب می شود. در این مجال می توان به برخی از دلایل مخالفت آنان اشاره کرد:

۱. میشنا حاوی عقاید متعارض بسیار زیادی است؛
۲. میشنا در برخی موضوعات عقیده درست را بیان نمی کند؛ گاهی با یک دیدگاه موافقت می کند و گاهی با دیدگاه مخالف آن؛
۳. اگر تورات شفاهی به موسی علیه السلام منسوب بود، ما شاهد احکام و قوانین متعارض در آن نبودیم؛
۴. میشنا از زبان موسی علیه السلام سخن نمی گوید؛
۵. حتی یک بار در تورات مکتوب سخنی از تورات شفاهی ذکر نشده است؛

12. *Encyclopaedia Judaica*, vol10, p762.

۶. خداوند به موسی علیه السلام گفت: «نزد من به کوه بالا بیا، و آنجا باش تا لوح‌های سنگی و تورات و احکامی را که نوشته‌ام تا ایشان را تعلیم نمایی، به تو دهم».^{۱۳} از این عبارت، مکتوب بودن احکام استفاده می‌شود و سخنی از تورات شفاهی به میان نیامده است؛
۷. بنا بر گزارشی تورات مکتوب به مدت پنجاه سال مفقود شد و کاملاً به فراموشی سپرده شد تا این که توسط کاهنان معبد دوباره کشف شد؛ با این فرض که تورات مکتوب فراموش شده چگونه می‌توان تصور کرد که تورات شفاهی در خاطره‌ها مانده باشد؛
۸. کلمات میشنا و تلمود کلمات کسانی است که در فاصله قرن دوم تا پنجم زندگی می‌کردند؛ چرا که به صراحت می‌گوید فلان حاخام این مطلب را گفت و دیگری مطلب دیگر را؛ در حالی که در تورات مکتوب بیهوه با موسی یا بنی اسرائیل سخن می‌گوید؛
۹. در سفر تثنیه، نسبت به افزایش و کاهش اوامر الهی هشدار داده شده است تا از این طریق اوامر الهی حفظ شوند؛^{۱۴}
۱۰. آیه ۳۴ تا ۳۸ کتاب یوشع حکایت از این نکته دارد که یوشع تمام اوامر الهی را که در تورات نوشته شده بود، برای بنی اسرائیل خواند؛ لازمه این سخن، این است که خدا تورات شفاهی به موسی علیه السلام نداده است. نکته دیگری که از این آیات برمی‌آید، این است که حکمی افزون بر تورات مکتوب وجود ندارد. در آیه هشتم باب نخست کتاب یوشع نیز آمده است:

این کتاب تورات از دهان تو دور نشود، بلکه روز و شب در آن تفکر کن تا بر حسب هر آنچه در آن مکتوب است متوجه شده، عمل نمایی.^{۱۵}

مبنای کلامی قارئون

قارئون تلمود و سنت شفاهی را تفسیری بشری می‌دانستند. از نظر آنها تورات مکتوب در مقابل تورات شفاهی یا میشنا قرار داشت. به معنای دقیق کلمه، قارئون برای مخالفت خود با حاخام‌ها مبنای کلامی بسیار قوی داشتند. از نظر آنها در اعتبار قایل شدن برای میشنا و تلمود شفاهی یک نوع گرایش حلولی نهفته است؛ به این معنا که خداوند در حاخام‌ها حلول کرده و در نتیجه، اجتهاد آنها با وحی هم وزن و یکسان شده است.

۱۳. خروج، باب ۱۲، آیه ۲۴.

۱۴. تثنیه، باب ۲، آیه ۴.

ناگفته نماند که قارئون سنت یا گرایش تفسیری خاص خود را داشتند، ولی هیچ گاه به سان حاخام‌ها برای تفاسیر خود تقدس و حجیت قایل نبودند؛ برای نمونه، عنان بن داود، مؤسس فرقه قرائیمی، خطاب به شاگردش بر این نکته تأکید داشت که:

در کتاب مقدس تأمل و جست و جو کن و به نظر من بسنده نکن.^{۱۶}

از این رو، با این که برخی از قارئون از شریعت شفاهی کمک می‌گرفتند، هیچ گاه برای آن قداست قایل نشدند. قارئون اجتهاد در مقابل نص را به هیچ وجه برنتابیدند. اگر نص صریح و واضحی وجود داشته باشد، نباید سراغ تفسیر رفت و تفسیر و برداشت خود را بر کتاب مقدس تحمیل کرد. قارئون تحت تأثیر معتزله بر توحید تأکید زیادی داشتند و با اوصاف انسان‌انگارانه و گرایش حلولی مخالفند. ویژگی مشترک قارئون را می‌توان تأکید آنان بر عقلانیت دانست. ابویوسف یعقوب قرقسانی (حدود ۹۳۰-۹۴۰) به اصالت عقل اعتقاد تام و تمام داشت. از نظر او مهم تن دادن به حکم عقل است و مهم نیست که مفاد حکم عقل مطابق و موافق با تعالیم کدام فرقه باشد.^{۱۷}

قرآنیون

پیشینه قرآن‌گرایی افراطی به قرن اول هجری و به زمان خلیفه دوم برمی‌گردد. در عالم اسلام، به دو دلیل زیر در باره سنت زنهارد داده شده است:

در صدر اسلام با یادآوری تجربه یهودیان در اقبال به سنت و غفلت از تورات، مسلمانان را از این امر برحذر داشتند. در روایتی از عمر آمده است که او پس از سوزاندن نگاهشته‌های حدیثی مردم چنین گفت:

امنیه کامتیه اهل الکتاب، او مثناه کمثناه اهل الکتاب؛^{۱۸}

یهودیان با روی آوردن به تلمود از تورات غافل شدند.

ابن مسعود نیز پس از محو نگاهشته‌ها گفت پیش از شما اهل کتاب از آن رونابود شدند که به کتاب‌های عالمان خود روی آوردند و کتاب الهی را وانهادند.^{۱۹} نکته جالب توجه آن

16. *History of The Jews*, vol. 3, p. 130.

17. *Ibid.*

۱۸. تدوین السنة النبوی، ص ۳۴۰.

۱۹. همان، ص ۳۳۴.

که برخی از قرآنیون، دست کم قرآنیون اعتدالی در جهان تشیع، برای ممانعت از ورود اسرائیلیات شعار قرآن محوری را سر داده‌اند.^{۲۰}

گلدزیهر در مقاله «منازعات در باب جایگاه حدیث در اسلام» می‌گوید که عقل‌گرایان معتزلی در مقابل استنباط حقایق دینی از حدیث موضعی مخالف اتخاذ کردند. در اواخر قرن هشتم سروده بلندی علیه معتزله (زمخشری) آنها را به چند چیز از جمله ترک قرآن، ضعیف شمردن احادیث پیامبر متهم کرده‌اند.^{۲۱}

خوارج نیز بر اساس آیه ۱۴۶ سوره انعام، مبنی بر این که شریعت کامل در قرآن آمده است، همین دیدگاه را در باره حدیث اتخاذ کردند.^{۲۲} از نظرایشان، جز آنچه در قرآن آمده، هیچ چیز دیگری حرام نیست. آنان سنت را قبول نداشتند؛ جز آنچه از طریق صحابه‌ای که در فتنه بزرگ مشارکت نداشتند، رسیده است.^{۲۳}

فرقه‌های قرآنیون

فرقه قرآنیون را می‌توان به دو فرقه افراطیون و اعتدالیون تقسیم کرد. گروه نخست، هیچ نقشی برای سایر منابع در فهم قرآن قایل نیستند؛ در حالی که فرقه دوم، برای سایر منابع نقشی فرعی و غیر مستقل قایل‌اند. کوتاه سخن، آن که در وصف جریان اعتدال می‌توان قرآن محوری و برای قرآن‌گرایی افراطی قرآن‌بسنده‌گی را ذکر کردند. گرایش تفسیر قرآن به قرآن در واقع، با گرایش اعتدالی معادل است؛ چرا که در این گرایش، برای فهم معارف و محتوای قرآن نقش ویژه‌ای قایل‌اند. در شبه قاره هند، بعد از اشغال آن توسط انگلستان جنبش‌هایی به وجود آمد که می‌توان به فرقه اهل قرآن اشاره کرد که معمولاً هدفی اصلاحی را دنبال می‌کردند. سرسید خان را باید آغازگر این حرکت دانست. او برای پذیرش سنت نبوی شرایطی را مطرح کرد که در عمل، چاره‌ای جز تمسک به قرآن نبود.^{۲۴} در مصر نیز به موازات شبه قاره، جریان قرآن‌گرایی مطرح شد. اما این که ریشه آن را شبه قاره بدانیم یا بازگشت به سلف و دوره اولیه اسلام، اختلاف وجود دارد. سید جمال اسد آبادی، عبده و رشید رضا را باید در شمار قرآنیون اعتدالی به حساب آورد. در ایران نیز محمد حسن

۲۰. فقه استدلالی، ص ۶۱۷ و ۶۸۱.

۲۱. حدیث اسلامی: خاستگاه‌ها و سیر تطور، ص ۱۵۳-۱۵۴.

۲۲. همان.

۲۳. همان، ص ۸۷.

۲۴. القرآن‌بین و شبهاتهم حول السنة، ص ۱۰۶.

شریعت سنگلجی، یوسف شعار، سید ابوالفضل برقعی و سید مصطفی حسینی طباطبایی و محمد جواد غروی اصفهانی و نیز کسانی را که مدعی تفسیر قرآن به قرآن اند، می توان جزو قرآنیون اعتدالی به حساب آورد. طبیعی است که در این مجال نمی توان به آرای تمام افراد پیش گفته پرداخت. از این رو، از این همه، تنها به ذکر دیدگاه احمد صبحی منصور و احمد قاسم در میان اهل سنت و شریعت سنگلجی در میان شیعیان بسنده می شود.

برخی احمد صبحی منصور را با مارتین لوتر مقایسه می کنند. اما او معتقد است که سال ها قبل از او، محمد عبده موضوع قرآن محوری را مطرح کرده است. صبحی منصور اندیشه های اصلاحی خود را ادامه مدرسه عبده می داند. او کتاب های مفصلی در باره دیدگاه خود تدوین کرده است. در این مجال و به مناسبت بحث، فهرست وار به مهم ترین دیدگاه های او اشاره می گردد. صبحی منصور قرآن را جامع، فرازمانی و فرامکانی و تنها مصدر تشریح در اسلام می داند. از نظر او، وظیفه پیامبر تبلیغ دین بود و کار تشریح فقط بر عهده خدا است. چیزی به نام ناسخ و منسوخ در قرآن وجود ندارد و در واقع، در قرآن نسخ به معنای کتابت آمده و نه حذف. از طرفی، آیات قرآن مجمل نیست تا نیاز به تفصیل داشته باشد. مفاهیم کفر و ایمان و شرک در قرآن متفاوت با معنای فقهی آن است. قضاوت در باره عقاید مردم تنها بر عهده خدا و در یوم الحساب است. بسیاری از احکام فقهی، نظیر حکم قتل مرتد یا مجازات سنگسار، تکفیر دگراندیشان، تفتیش عقاید و جهاد ابتدایی و نظایر آن هیچ ریشه قرآنی نداشته و توسط ائمه حدیث در عصر عباسی ساخته و پرداخته شده اند؛^{۲۵} برای نمونه، جعل احادیث ضد و نقیض برای اثبات مشروعیت هر فرقه و طایفه به این دوره بر می گردد.^{۲۶}

احمد صبحی منصور بر این باور است که اگر حدیث واقعاً جزو دین بود باید مثل قرآن، از همان اول مکتوب می شد؛ نه این که دو بیست سال مردم در بحران و فتنه رها شوند. چگونگی ابوحنیفه تنها به هفده حدیث معتقد بود و صد سال بعد از او، احمد بن حنبل سی هزار حدیث را در مسند خود ذکر می کند. خلاصه، آن که به مرور زمان این احادیث به خط قرمز مسلمانان تبدیل شد. علم جرح و تعدیل راویان حدیث، هر چند تا حدی مانع پذیرش

۲۵. همان، ص ۳۷ - ۴۲.

۲۶. حد الرده، ص ۸۳.

برخی از احادیث می‌گردد، علمی ظنی است. از این رو، یکی یک راوی را ذم و دیگری او را تحسین می‌کند؛ در حالی که قرآن از پیروی از ظن و گمان برحذر داشته است.^{۲۷} سنت فعلی پیامبر، بدون نیاز به کتابت و به صورت تواتر ادامه داشته و دارد.

قاسم احمد در کتاب *العودة الى القرآن*، به طور مختصر، دیدگاه قرآنیون را این گونه بیان می‌کند. دو بیست سال پس از رحلت پیامبر ﷺ امام شافعی این نظر فقهی را رواج داد که سنت پیامبر منبع و مصدر اساسی تشریح، پس از قرآن است. صحاح سته در واقع، بعد از چنین احکامی در نیمه دوم قرن سوم گردآوری شد و مجامع روایی شیعی در قرون سوم و چهارم تدوین یافتند.^{۲۸} غفلت از قرآن و توجه بیش از حد به سنت عامل عقب ماندگی مسلمانان شد و تنها راه بازگشت به تعالیم اصیل اسلامی روی آوردن به قرآن است.^{۲۹}

در این که از پیامبر نیز هم چون دیگران سخنانی بر جا مانده است، تردیدی نیست، اما باید با آنها مثل هر خداداد تاریخی و با در نظر گرفتن شرایط و زمینه‌های تاریخی آن و عدم تعارض آن با قرآن تعامل داشت.^{۳۰} اهل حدیث یکصد سال پس از وفات پیامبر در قرن دوم ظهور و بروز یافتند. امام مالک *الموطأ* را - که حاوی سنن بود - در سال ۱۷۹ تدوین کرد. در عین حال، اهل حدیث اصرار دارند بر این که حدیث از همان آغاز ملازم مسلمانان بوده است. آنان چهار دلیل بر حجیت حدیث و سنت ذکر کرده‌اند: حدیث نظیر قرآن وحی الهی است؛ خداوند مؤمنان را امر به اطاعت از پیامبر، یعنی سنت او کرده است؛ پیامبر مفسر قرآن است و حدیث برای فهم قرآن ضروری است؛ اقتدا به سنت پیامبر بر مسلمانان ضروری است.^{۳۱}

در دلیل نخست، از به کار رفتن کلمه حکمت در کنار کتاب در آیاتی چند از قرآن، وحی بودن آن را نتیجه گرفته‌اند.^{۳۲} جزئیات شریعت، نظیر نماز، روزه و حج، نسل به نسل به ما منتقل شده است. در واقع، این سنت‌ها از زمان ابراهیم وجود داشته است. مسلمان در دو سده نخست - که هنوز حدیث تدوین نیافته بود - دقیقاً به همان آدابی نماز را

۲۷. سوره یونس، آیه ۳۶؛ سوره انعام، آیه ۱۱۶.

۲۸. *العودة الى القرآن*، ص ۵۸ - ۵۹.

۲۹. همان، ص ۶۰ - ۶۶.

۳۰. همان، ص ۶۹.

۳۱. همان، ص ۷۳ - ۹۱.

۳۲. همان، ص ۷۵ - ۷۹.

می خواندند که پیامبر می خواند. ^{۳۳} قرآن کتاب تام، کامل و مفصل است و هیچ گونه نقص و اجمالی در آن راه ندارد. ^{۳۴} ظهور فرقه ها معلول غفلت از قرآن و روی آوردن به حدیث است و بسیاری از احادیث بعد از سه جنگ داخلی میان مسلمانان و در زمان امام علی علیه السلام و معاویه و در تأیید یکی از آن دو جعل شده است. ^{۳۵}

براین اساس، شفاعت، معجزات، ظهور امام مهدی نزدیک قیامت، مجازات مرتد، ثواب بهشت برای کسی که قبل از مرگ شهادتین بگوید، و لوهیچ عملی در کارنامه خود نداشته باشد، تحریض و تشویق به رهبانیت، مجازات زنا، امر به نماز، پیش گویی های پیامبر و ایمان به قضا و قدر در تناقض با قرآن هستند. ^{۳۶} و در بسیاری از امور، حدیث در تعارض با خودش است. ^{۳۷} در قرآن آیات محکم و متشابه وجود دارد. محکّمات بیان گر اوامر الهی هستند و الزام آورند، در حالی که آیات متشابه در مورد اموری نظیر بهشت و جهنم، رستاخیز، خلقت جهان و انسان سخن می گویند که در دسترس ما نیست. این آیات نیاز به تفسیر ندارند و تنها باید به آنها ایمان داشت. ^{۳۸} با توجه به انکار جایگاه سنت باید قواعدی برای تفسیر قرآن وجود داشته باشد که مهم ترین آنها توجه به سیاق موضوع، سیاق تاریخی، سهولت و تطابق با واقعیت و منطق است. ^{۳۹} نظر به این که قرآن وحی است و در آن تناقضی نیست وجود نسخ بی معنا است و چنانچه دو شرط سیاق موضوع و سیاق تاریخی لحاظ گردد؛ معلوم خواهد شد که نسخی در کار نیست. ^{۴۰}

مشخصه های قرآنیون در شیعه

برای بیان مشخصه های قرآنیون در شیعه تنها به ذکر دیدگاه شریعت سنگلجی در کتاب کلید فهم قرآن بسنده می شود؛ هر چند ویژگی های زیر از فردی به فرد دیگر نوسان دارد و شدت و ضعف پیدا می کند، سنگلجی معتقد است قرآن قابل فهم است. ^{۴۱} فهم

۳۳. همان، ص ۸۲-۸۴.

۳۴. همان، ص ۸۶-۹۱.

۳۵. همان، ص ۹۶-۹۹، ۱۰۴-۱۰۶.

۳۶. همان، ص ۱۲۵.

۳۷. همان، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۳۸. همان، ص ۱۴۷-۱۵۰.

۳۹. همان، ص ۱۵۱.

۴۰. همان، ص ۱۵۴.

۴۱. کلید فهم قرآن، ص ۱۷-۲۷.

قرآن نیازمند شناخت احوال عرب در آن عصر است و قرآن از چنان جامعیتی برخوردار است که تمام نیازهای انسان را بر طرف می‌سازد؛^{۴۲} تحریفی در آن صورت نگرفته است؛^{۴۳} ادعای نسخ قرآن بی‌مبنا است؛ چه آن که احکام کلی عقلی قابل تخصیص و نسخ نیست.

به باور برخی از قرآنیون نسخ در احکام جزئی محتمل است؛^{۴۴} در قرآن آیات متشابه به طور کلی و یا دست کم در حوزه مبدأ و معاد و نبوت و نیز در حقوق و سیاست و اخلاق وجود ندارد. نزول آیات متشابه برای هدایت نادانان و توده مردم است خدا حقایق را در حد امثله و کنایه تنزل داده است^{۴۵}؛ استدلال‌های عقلی را باید به جای تکیه بر عقل خود بنیاد از قرآن استخراج کرد.^{۴۶} بنا بر این، در مسائل اعتقادی نیازی به مراجعه به سنت و علوم نظیر فلسفه، کلام و عرفان نیست، زیرا این علوم خاستگاه قرآنی ندارند؛^{۴۷} در تفسیر قرآن باید تفسیر قرآن به قرآن را در دستور کار قرار داد و به گفته مفسران توجه نکرد. باید به ظاهر قرآن بسنده کرد و از این رو، زبان عربی نقش وی‌ژه‌ای پیدا می‌کند. سنگلجی به وجود مخالفت با تفسیر به رأی و تأویلاتی از سنخ تأویلات اسماعیلیه، بر این باور است که بسیاری از آیات مأثور نیست و خداوند به عقل و اجتهاد آدمی واگذار کرده است.^{۴۸} بنا بر این، دو نوع تفسیر به رأی وجود دارد: تفسیر به رأی جایز و ممنوع.

ناگفته نماند در تفکر قرآنیون شیعی سنت به طور کلی نفی نمی‌گردد. به عبارتی، آنان بیشتر شعار قرآن محوری را صلا در می‌دهند تا قرآن‌پسندگی و اکتفای به قرآن. لذا از لزوم مراجعه به سنت در جزئیات شریعت (کلیات شریعت در قرآن موجود است) سخن گفته‌اند.^{۴۹} البته دایره را به گونه‌ای تنگ کرده‌اند که در موارد بسیاری برای استخراج احکام از قرآن دچار تکلف شده‌اند. از طرفی، نظر به مخالفت ایشان با تقلید از مراجع دینی^{۵۰} و

۴۲. همان، ص ۳۳ - ۴۱.

۴۳. همان، ص ۹ - ۱۶.

۴۴. همان، ص ۶۴ - ۶۷.

۴۵. همان، ۶۵ - ۸۸.

۴۶. همان، ص ۱۲۵ - ۱۲۷.

۴۷. همان، ص ۱۲۸ - ۱۵۶.

۴۸. همان، ۵۲ - ۵۳.

۴۹. همان، ص ۳۹ - ۴۱.

۵۰. همان، ص ۱۶۲ - ۱۶۵.

اعتماد به عقل خداداد و نه عقل فلسفی و نیز سازگار دانستن عقل با وحی^{۵۱} ناخواسته به نوعی اباحت‌گری و گرایش انسان‌مدارانه در احکام و حدود شرعی دامن زده‌اند و مرزبندی‌های موجود میان فرق اسلامی را برناتافته‌اند.

براین اساس، از سوی برخی به تأثیرپذیری از فرقه‌های دیگر، به ویژه وهابیت متهم شده‌اند. غروی اصفهانی، نظیر احمد صبحی منصور، بحث‌های مفصلی در رد احکام ارتداد و رجم،^{۵۲} و جوب نماز جمعه و نیز رد جهاد ابتدایی مطرح کرده است. خلاصه، آن که شعار اصلاح‌گری و خرافه‌زدایی و بازگشت به اسلام، نخستین ویژگی بارز سخنان آنان را تشکیل می‌دهد. خادم حسین الهی بخش در کتاب *القرآنیون و شبهاتهم حول السنه* به تفصیل، آرای اعتقادی و فقهی ایشان را ذکر کرده است.^{۵۳}

شباهت‌ها و تفاوت‌های قارئون و قرآنیون

پس از آشنایی اجمالی با تفکر قارئون و قرآنیون می‌توان با مقایسه آنها به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن دو پی برد.

الف. شباهت‌ها

- قارئون و قرآنیون هر دو بر مرجعیت کتاب مقدس (کتاب مقدس عبرانی و قرآن) تأکید داشتند و انکار مرجعیت سنت، محوری‌ترین عقیده آنان را تشکیل می‌داد.

- هر دو اجتهاد در مقابل نص را بر نمی‌تافتند؛ هر چند در عمل، ناقض آن بودند؛ هر دو بر قابل فهم بودن و جامعیت کتاب مقدس و بی‌نیازی از سنت تأکید دارند.

- هر دو پیشینه خود را به زمان بنیان‌گذار دینشان یا زمانی نزدیک به آن می‌رسانند. قارئون تبار خود را ادامه تفکر صدوقی‌ها و قرآنیون دنباله خود را در قرن اول و زمان خلیفه دوم می‌دانند. به هر ترتیب، هر چند اصل‌گرایی در زمانی نزدیک به زمان بنیان‌گذار دینشان وجود داشته است، زمان تشکیل فرقه یا نهضت به زمان‌های متأخر بر می‌گردد؛ برای نمونه، فرقه قرائیمی به قرن هشتم و نهضت قرآنیون به قرن نوزدهم میلادی بر می‌گردد.

- در قارئون و قرآنیون دو طیف اعتدالی و افراطی وجود دارد. گروهی بر محوریت قرآن یا

۵۱. همان، ۱۷۹-۱۸۲.

۵۲. *فقه استدلالی*، ص ۶۰۱-۶۸۵.

۵۳. *القرآنیون و شبهاتهم حول السنه*، ص ۲۹۸-۴۱۹.

کتاب مقدس تأکید دارند و جمعی بر بسندگی آن دو و بی‌نیازی از سنت.

- هر دو با شعار اصلاح طلبی و مبارزه با خرافات و به طور کلی، با تأکید بر عقلانیت کار خود را شروع کردند. قارئون تفکر معتزلی بصره را پشتوانه فکری خود قرار دادند و دست کم قرانیون مصری خود را نومعتزلی و پیرو مدرسه محمد عبده معرفی کردند.

- در هر دو فرقه گروهی بر انکار سنت به طور کلی تأکید دارند و جمعی سنت معتبر را مقید به شرایط خاصی می‌کنند؛ برای نمونه، بین سنت عمل شده یا عمل و سنتی که در زمان بنیان‌گذار دین به مرحله عمل در نیامده است، فرق گذاشته‌اند. بدیهی است چنین تقيیداتی آنان را در استخراج احکام دچار تکلف می‌کرد و تفسیر به رأی و تأویلات بی‌مبنا و نوعی اباحی‌گری را دامن می‌زد.

- هر دو گروه، با توجه به تأکیدی که بر ظاهر کتاب مقدس داشتند، برای زبان (زبان عربی در تفسیر قرآن و زبان عبری در تفسیر کتاب مقدس) نقش بسیاری در تفسیر قایل بودند. از این رو، سعدیا گائون نخستین فیلسوف یهودی از طریق رشد و باروری ادبیات عبری موفق به کند کردن یا توقف حرکت قارئون شد.

- هر دو گروه نگرش توأم با تساهل و پلورالیستی نسبت به دیگر فرقه‌ها داشتند و سنت را علت تشنت آرا و فرقه‌گرایی می‌دانند

- قارئون روح آزاد داشتند و به دنبال رهایی از هر گونه مرجعیت بیرونی بودند و به تعبیر دیگر، در مقام اعتراض بر مرجعیت حاخامی بودند که برداشت خود را عدل کتاب مقدس می‌دانستند. فرقه قرائیمی را به نهضت پروتستان تشبیه کرده‌اند. در عالم اسلام نیز قرآنیون خود را اصلاح‌گرو مخالف خرافه‌گرایی معرفی می‌کنند و حتی برخی احمد صبحی منصور را با مارتین لوتر مقایسه کرده‌اند. در عین حال، باید به این نکته توجه داشت که در اسلام با این که معمولاً مخالفان سنت خود را عقل‌گرا یا نومعتزلی معرفی می‌کنند، همیشه این نکته در مورد آنان صادق نیست؛ زیرا همان‌گونه که ذکر شد، علاوه بر خوارج عقل‌ستیز - که مخالف سنت بودند و به این اعتبار می‌توان آنان را جزو قرآنیون برشمرد - مخالفت با فلسفه، کلام و عرفان از جمله شاخص‌های قرآنیون شیعی است.

ب. تفاوت‌ها

با وجود شباهت‌های فوق، می‌توان موارد زیر را به عنوان تفاوت‌های آن دو ذکر کرد:

- انگیزه یا دغدغه و مسأله آنها متفاوت است. قارئون تحت تأثیر مسلمانان، به ویژه

معتزله بصره گرایش توحیدی داشتند و از گرایش حاخامی - که خدا را حال در طبیعت، تاریخ، انسان و در نتیجه در حاخام‌ها می‌دانستند - فاصله بسیاری داشتند. حاخام‌ها بر مبنای گرایش حلولی خود برای تفسیرشان از کتاب مقدس به اندازه خود کتاب مقدس اعتبار و قداست قایل بودند؛ در حالی که مسأله قرآنیون چیز دیگری بود.

- یکی از مواردی که همواره قرآنیون بر آن تأکید دارند، انکار نسخ آیات قرآن و عدم تحریف آن است؛ در حالی که چنین موضوعی اصولاً برای قارئون مطرح نبود.

- در یهودیت برای مبارزه با نگرش قرائیمی نهضت عظیمی برپا شد. سعدیا گائون یکی از راه‌های مبارزه با آنان را احیای زبان عبری و تسلط بر این زبان دانست و تلاش‌هایی در این زمینه از سوی وی صورت گرفت؛ در حالی که در عالم اسلام چنین جنبشی را سراغ نداریم.

- قرآنیون یکی از دلایل بی‌اعتنایی خود را به سنت و احادیث ورود اسرائیلیات و نیز جعل و دس حدیث می‌دانند؛ در حالی که قارئون تحت تأثیر معتزله در عالم اسلام بودند. به عبارت دیگر، قرآنیون به منظور پرهیز از اختلاط دین اسلام با دیگر ادیان و سنت‌ها قرآن را به عنوان یگانه منبع و مرجع معرفی کردند؛ در حالی که قارئون تحت تأثیر فرهنگ بیگانه، یعنی تفکر معتزلی بودند که خود نیز از تأثیر دیگر سنت‌ها و مکاتب به خصوص سنت فلسفی یونانی برکنار نبودند.

- قارئون، دست کم یعقوب قرقسانی تعصب نسبت به دیدگاه و نظر خود نداشت، بلکه در مقابل افراد را به فهم خاص خود از کتاب مقدس تحریض می‌کردند؛ در حالی که قرآنیون در عالم اسلام، دست کم در میان سلفی‌های مصری بر درستی فهم خود اصرار می‌ورزند.

- گرایش قرائیمی، هر چند در یک مقطع زمانی مورد توجه خاص بوده است، در حال حاضر چندان مجالی برای جولان ندارد و در حال انقراض است و پیروان کمی دارد؛ در حالی که در عالم اسلام قرآنیون رو به رشد و فعال هستند.

- حاخام‌ها و مخالفان فرقه قرائیمی علت وجودی شکل‌گیری این فرقه را یک نزاع شخصی و قدرت طلبی عانان بن داود بنیان‌گذار فرقه می‌دانند؛ در حالی که در باره قرآنیون چنین چیزی صادق نیست و به معنای دقیق کلمه بنیان‌گذاری برای آن نمی‌توان پیدا کرد.

- در اسلام دامنه و قلمرو قرآنیون تقریباً تمام فرقه‌ها از شیعه و سنی را در بر می‌گیرد؛ در

حالی که در یهودیت قارئون فرقه‌ای در برابر تمام فرقه‌های یهودی محسوب می‌گردند. - برای قارئون بیشتر بحث‌های کلامی و تا حدودی شریعتی مطرح است؛ در اسلام این گونه نیست، بلکه مخالفت با فلسفه و کلام رسمی مطمح نظر ایشان است. در واقع، آنان برای انکار سنت مبنای کلامی، فلسفی و کتاب مقدسی ارائه کردند. - از قارئون آثار زیادی باقی نمانده است؛ در حالی که از قرآنیون علاوه بر آثار پرشمار مکتوب، آثار الکترونیکی بسیاری وجود دارد.

- در یهودیت هر چند تلاش‌هایی به منظور آشتی دادن دیدگاه‌های قارئون و حاخام‌ها صورت گرفته است، ولی هیچ کدام از آنها قرین توفیق نبوده است. سعد بن کمونه قبل از سال ۱۲۸۴ در کتاب *الفرق بین الربانیین والقرائین* و نیز نیم قرن بعد از آن، دانشمندی از جزیره کرت ایتالیا کتابی در این خصوص تدوین کرد.^{۵۴} این در حالی است که در عالم اسلام چنین کاری صورت نگرفته است.

نتیجه

چنان که ملاحظه شد، قرآنیون در عالم اسلام با وجود تنوع اقلیمی (شبه قاره هند، مصر، ایران و شرق آسیا) و مذهبی (اهل سنت، خوارج، معتزله و برخی از شیعیان)، دست کم در عدم باور به حجیت سنت و هم‌عرضی آن با قرآن با هم هم‌داستان‌اند. هدف و انگیزه اولیه بیشتر آنان اصلاح دین، زدودن خرافات و هموار کردن راه پیشرفت جوامع اسلامی بود. به یک معنا شعار بازگشت به قرآن تحت تأثیر دستاوردهای جهان غرب بود. به باور ایشان، علت عقب‌افتادگی و نزاع‌های فرقه‌ای در میان مسلمانان غفلت از قرآن و تکیه بیش از حد بر سنت است؛ در حالی که برخی از قرآنیون شیعی در صدد پایان دادن به نزاع‌های فرقه‌ای بودند و بر این باور بودند که با بازگشت به قرآن - که مورد قبول همه مسلمانان است - می‌توان به وحدت حقیقی نایل آمد. بعضی از قرآنیون اهل سنت به دامن سلفی‌گری افتادند یا افکارشان به سلفی‌گری منتهی شد. در مقابل، تنوع اقلیمی و مذهبی موجود میان قرآنیون در میان قارئون دیده نمی‌شود. آنان نیز تحت تأثیر فرهنگ بیگانه، یعنی تفکر معتزلی بودند. البته برخی از قرآنیون نیز خود را نومعتزلی می‌دانند، ولی شروع این نهضت در شبه قاره، تحت تأثیر استعمارگران بیگانه بود. قارئون تنها در درون فرقه‌های یهودی به گرایش پلورالیستی قایل بودند؛ در حالی که قرآنیون این گرایش را نسبت به دیگر ادیان نیز

54. *Encyclopaedia Judaica*. vol. , 10, p872.

تعمیم می دادند. در مجموع، در هر دو نوعی تکلف در استخراج احکام، اباحی‌گری در شریعت و نگرش پلورالیستی نسبت به سایر ادیان دیده می‌شود، هر چند در پاره‌ای از موارد، برای نمونه، از نظر مبنا و رهیافت تفاوت چشم‌گیری با هم دارند. قارئون با تفسیر و بسط هلاخا مخالفتی نداشتند، زیرا آنان تفسیرهای زیادی بر کتاب مقدس نوشته‌اند که اکنون در اختیار ما نیست، بلکه مخالفت آنان بیشتر به این سبب بود که در پاره‌ای از موارد مطالب تلمود و میشنا بر تورات ترجیح داده می‌شد و بسیاری از سنت‌ها و عادات رایج مخالف نص صریح تورات بود. به عبارتی می‌توان گفت که قارئون نیز سنت خاص خودشان را داشتند. در بین قرانیون نیز برخی به طور بسیار محدود به سنت اعتقاد دارند اما آن را مبنای تشریح احکام نمی‌دانند.

کتابنامه

- العوده الى القرآن، احمد قاسم، بی‌جا: مکتبه مدبولی الصغیر، ۱۹۹۷م.
- القرآنیون وشبهاتهم حول السنة، الهی بخش، طائف: مکتب الصدیق، دوم، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۰م.
- الانوار والمراقب، یعقوب قرقسانی، مصحح: اسد یحیی بن ابراهیم، بی‌جا، ۱۳۷۷ش.
- تدوین السنة النبوی، محمد رضا حسینی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۶ش.
- حد الردة، احمد صبحی منصور، بیروت: الانتشارات العربی، ۱۹۹۳م.
- حدیث اسلامی: خاستگاه‌ها و سیرتطور، هارالد موتسکی، به کوشش و ویرایش: مرتضی کریمی نیا، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، ۱۳۸۹ش.
- کتاب مقدس (ترجمه قدیم)، بی‌جا: انتشارات ایلام، ۲۰۰۲م.
- کلید فهم قرآن، شریعت سنگلجی، تهران: مؤسسه انتشارات دانش، سوم، ۱۳۴۵ش.
- فقه استدلالی، سید محمد جواد غروی اصفهانی، تهران: اقبال، ۱۳۷۸ش.
- یهودیت، مسیحیت و اسلام اف. ئی پیترز، ترجمه: حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش.
- *A History of Jewish philosophy in the Middle Ages*, Colette Sirat, Cambridge university press, 1996.
- *History of The Jews*, Heinrich Graetz, Philadelphia, The Jewish Publication Society of America, 1974
- *Karaite Doctrine*, Jo. H. /L. N in *Encyclopaedia Judaica*, Keter Publishing House Jerusalem, Israel, 1996.